

## بررسی آثار و ثمرات اقتصادی ایفاء کیل و میزان (با استفاده از نظرات علامه طباطبائی در تفسیر المیزان)

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۳۰

محمد سلیمانی\*

مرتضی عربلو\*\*

### چکیده

مبادله و معامله از ضروریات بقای یک اجتماع است و از قواعد حتمی این مبادله و معامله، رعایت عدالت در بده-بستان‌هاست و از موارد رعایت این عدالت، «ایفاء کیل و میزان» می‌باشد. اهمیت رعایت این سنت و قانون آفرینش، به حدی است که عدم رعایت آن، در هلاکت قوم حضرت شعیب(ع) نقش داشت. ایفاء (به‌طور تمام ادا کردن) کیل و میزان، منحصر در چیزهایی نیست که بتوان پیمانه کرد یا مورد وزن قرار داد بلکه شامل عدم کم‌فروشی در هر نوع مبادله کالا و خدمات نیز می‌شود، لذا با تعمیم ایفاء کیل و میزان، گستره شمول این اصل اقتصادی وسیع‌تر شده و تحقق آن، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

این نوشتار که به لحاظ جمع‌آوری مطالب، کتابخانه‌ای و در تبیین ثمرات ایفاء کیل و میزان، تحلیلی و توصیفی است، به بررسی آیات مرتبط با موضوع پرداخته و با استفاده از روایات مربوط به این موضوع از کتب معتبر شیعه و همچنین تفسیر گرانقدر المیزان و آثار سایر دانشمندان علوم اجتماعی-اقتصادی، به موارد زیر به عنوان ثمرات ایفاء کیل و میزان در جامعه دست یافته است: تمرکز بیشتر بر تدبیر و اندازه‌گیری خود، بالا رفتن سطح اعتماد، وجود قیمت‌های پایین و رشد اقتصادی.

### کلمات کلیدی

مبادله، امنیت مالی، اعتماد، علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن

طبقه‌بندی JEL: N75, B19, A13

solimani@isu.ac.ir

\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

m.arablou@isu.ac.ir

#### مقدمه

تفسیر شریف المیزان، یکی از آثار گرانقدری است که جایگاه والائی در تولید علوم انسانی اسلامی دارد و «دائرةالمعارفی است که اگر موضوعاتش استخراج و استنباط شود، آنگاه معلوم می‌شود که این تفسیر در چه حد و رتبه‌ای قرار دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۶).

شهید مطهری درباره اهمیت آرای علامه طباطبائی می‌فرماید: «فهم سخن علامه برای صاحبان اندیشه در صد سال آینده میسر می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۶). از این رو تمرکز بر آرای اجتماعی - اقتصادی ایشان می‌تواند پرده از حقایقی بردارد که جوامع علمی امروز متوجه آن نبوده‌اند.

علامه طباطبائی در تبیین لزوم زندگی اجتماعی انسان به این مطلب اشاره می‌کند که «انسان به حسب خلقتش موجودی است دارای شعور و اراده، و تنها اوست که می‌تواند برای خود هر کاری را که می‌خواهد اختیار کند، ولی حریت و آزادی او توسط اسبابی تحدید شده است. مثلاً اینکه به آب و غذا احتیاج دارد و تا وقتی که سیر و سیراب نگردد نمی‌تواند آرام بگیرد. انسان نه می‌تواند منکر این قبیل احتیاجات خود شود و نه می‌تواند از امتثال آنها سرپیچی کند. از جمله این اسباب، درک این مسأله است که در فطرت بشر نهاده شده و آن این است که باید زندگی اجتماعی تشکیل دهد و خود به تنهایی نمی‌تواند ادامه حیات دهد. جز با زندگی اجتماعی و جز در مسیر تعاون و تعامل نمی‌تواند به سعادت برسد. باید هریک از اعضای جامعه گوشه کاری از کارها را بگیرند و با یکدیگر تعاون و تعامل داشته باشند یعنی از آنچه که هریک تولید کرده‌اند، مقداری که مورد حاجت خود می‌باشد را برداشته و مازاد آن را با مازاد تولید دیگران معامله کنند تا همه افراد همه چیز را دارا شوند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، صص ۵۵۵-۵۵۶)، لذا تشکیل اجتماع، جزء طبع اولیه انسان است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۸۹). به عبارت دیگر، ادامه حیات بر روی زمین «بشر را مجبور کرد دامنه اختیار و آزادی خود را محدود کند و به اجتماع مدنی و برقراری عدل اجتماعی در روابط با یکدیگر تن در دهد [و] اضطرار [است که] انسان را وادار کرده به اینکه مدنیت و

زندگی اجتماعی و در پی آن، عدل اجتماعی را بپذیرد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۶).

بنابراین روشن شد که انسان‌ها ناچار از زندگی اجتماعی هستند و نیاز دارند که با تعاون و تعامل با یکدیگر به سر ببرند. هر یک از اعضای جامعه نقش منحصر بفردی در قوام آن جامعه دارند «همه افراد جامعه بایستی جزئی باشند مقوم جامعه، یعنی در تشکیل جامعه دخیل باشند و دخالت هر فرد مساوی باشد با دخالتی که سایر اعضا دارند و در نتیجه تأثیرش در بدست آوردن غرض تعاون و همکاری عمومی به مقدار تأثیر سایر افراد باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۰۵). جامعه به محصول کار افراد مختلف نیاز دارد. لذا افراد مختلف می‌بایست «آنچه از محصول کارش مورد نیاز خودش است، به خود اختصاص دهد، و مازاد را در اختیار سایر افراد جامعه قرار داده، در مقابل از مازاد محصول کار دیگران آنچه لازم دارد بگیرد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۰۵).

در اقتصاد، مبادله یک نقش اساسی ایفا می‌کند و جایگاه آن در تخصیص بهینه منابع همواره مورد تأکید بوده است. بدون مبادله تخصیصی شدن و تقسیم کار معنایی پیدا نمی‌کند و لذا نمی‌توان انتظار بهبود کیفیت و افزایش مقدار تولید از کانال منابع تولید را داشت. مبادله، نقش اساسی در تحقق کفایت عمومی در سطح ملی و بین‌المللی دارد و سایر ارکان اقتصاد چاره‌ای ندارند مگر اینکه از مبادله گذر داشته باشند (إحسان الحافظ، ۲۰۱۰). زیرا آنچه در اقتصاد تولید می‌شود از دو حالت بیرون نیست: یا کالا است و یا خدمات. حال آیا هر شخص فقط از کالا و خدمات تولیدی خودش، استفاده می‌کند؟ پاسخ منفی است؛ هر شخص به تنهایی نمی‌تواند همه کالا و خدمات مورد نیازش را خودش تولید کند، پس همگان چاره‌ای جز این ندارند که به مبادله با یکدیگر بپردازند.

از این رو، اگر فهم عمیق اقتصادی از مبادله فراهم نشود و برای آن قواعد و اصول اساسی تعیین نشود، به عامل تخریب‌کننده‌ای تبدیل خواهد شد که آثار آن در تخصیص نادرست منابع و ارضای اشتباه نیازهای مصرف‌کنندگان و توزیع نادرست درآمد مشاهده خواهد شد، پس مبادله می‌تواند هم اثرات مثبت و هم اثرات منفی در هر دو حوزه

ایجابی و سلبی داشته باشد. اقتصاد معاصر این اهمیت را درک کرده ولی در قواعد و اصول آن ناتوان مانده است (شوقی دنیا، ۲۰۰۳، ص ۶۰۵، به نقل از إحسان الحافظ). یکی از همین قواعد و اصول که در دیدگاه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته برقراری عدالت در مبادله است که از آن به «ایفاء کیل و میزان و پرهیز از کم‌فروشی» تعبیر شده است. با نظر به قرآن کریم و تفسیر شریف «المیزان» و همچنین کتب روایی معتبر از معصوم (ع)، این نکته مستفاد می‌شود که ایفاء کیل و میزان و پرهیز از بخس و کم‌فروشی از جمله اصول مهم اقتصادی بوده و به عنوان یکی از قواعد مبادله مطرح است. در این پژوهش نیز، همین سرنخ در منابع دینی و آثار علمی پی گرفته شد تا ابعاد و ثمرات این اصل در مبادلات اقتصادی آشکار گردد.

مسأله ایفاء کیل و میزان در ادبیات اقتصاد اسلامی نیز مورد توجه بوده و آن را از اصول اقتصاد اسلامی قلمداد کرده‌اند ولی تا جائیکه بررسی شد تاکنون تحقیق مستقلی روی آثار و ثمرات ایفاء کیل و میزان انجام نشده است و نوآوری این پژوهش، کشف این آثار و ثمرات می‌باشد.

این مقاله ابتدا به مفهوم ایفاء کیل پرداخته و سپس به جایگاه آن در قرآن و روایات اشاره می‌کند. در بخش بعدی با اشاره به مبنای فلسفی - اجتماعی علامه طباطبائی و با تأکید بر آثار اقتصادی ایفاء کیل و میزان، ثمرات تحقق این اصل در مبادلات بیان می‌شود. در نهایت نیز یک جمع‌بندی از مباحث تقدیم می‌گردد.

#### ۱. معنا و مفهوم ایفاء کیل و میزان

در ابتدا ضرورت دارد که به معنا و مفهوم ایفاء کیل و میزان بپردازیم. مصدر «کیل» به معنای تعیین مقدار و کمیت چیزی بوسیله وسایل اندازه‌گیری آن می‌باشد، لذا در موارد مقایسه بکار برده می‌شود. فرق میان «کیل» و «وزن» در این است که کیل تعیین مقدار چیزی از جهت حجم است ولی وزن، تعیین مقدار چیزی از جهت سنگینی می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۴۹). در اکثر موارد این دو معنا در کنار هم آورده شده است و «ایفاء» آن، مورد تأکید قرار گرفته است یعنی در کیل کردن و وزن کردن، بطور تمام عمل شود و کم و کاستی وجود نداشته باشد. در مقابل این معنا، «بخس» و

«تطفیف» قرار دارد. «بخس» به معنای کاستن از چیزی به نحوی که تلقی ظلم شود، می باشد و در آیه «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (الأعراف/۸۵) به این معنا به کار رفته است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۲۱). «تطفیف» که از ریشه «طف» می باشد، در تاج العروس به معنای کم گذاشتن در کیل و میزان به طوری که خیانت به خریدار باشد، آمده است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۵۵). شیخ طوسی نیز در تفسیر تبیان شبیه به همین بیان را دارند (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۹۵).

البته می توان ایفاء کیل و میزان را تعمیم داد. کم فروشی صور مختلفی دارد و می تواند در مبادلاتی که مورد پیمانۀ قرار می گیرند یا بوسیله ترازو وزن می شوند محصور نباشد.

آیت الله یزدی در حاشیه مکاسب، نقص در عدد و ذرع (واحد اندازه گیری پارچه) را حکماً به نقص در کیل و میزان ملحق کرده و معنای تطفیف را در مطلق تقلیل دانسته است نه در خصوص نقص در کیل و وزن (یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲).

غزالی بعضی حالت های تطفیف در کیل و میزان را اینگونه شرح می دهد: هرآنچه که از خاک و غیر آن به غذا مخلوط گردد و سپس مورد کیل قرار گیرد، قصابی که استخوان همراه گوشت قرار دهد که در نزد مردم اینگونه نبایستی باشد سپس وزن کند و قس علی هذا (الغزالی، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۹). حتی برخی با توجه به اطلاق آیه «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (الأعراف: ۸۵) اینگونه برداشت کرده اند که حرمت بخش منحصر در بیع نیست و اجاره را نیز شامل می شود. بنابراین هرگاه کسی در انجام کاری اجیر دیگری شود، اگر کار را کامل انجام ندهد، مصداق «بخس» است و حرام خواهد بود.<sup>۱</sup> در یک پژوهش فقهی نیز که حول مسائل مطرح شده در المیزان صورت پذیرفته، به این تعمیم اشاره شده است: «... البته شاید عموم -و لا تبخسوا الناس أشياءهم- مواردی غیر از ترازو داری و مسائلی غیر از داد و ستد را هم شامل شود» (وزیری فرد، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴). همچنین مقتضای تعمیم معنای بخش، حرمت کم گذاردن در حقوق و امتیازاتی است که خریدار مستحق آن شده است. بنابراین هرگاه شخصی، مالک امتیاز تلفن، برق و یا حج و مانند آن شده است، شخص و یا مؤسسه و اداره ای که این

امتیازات برعهده او می‌باشد، نمی‌تواند در این امتیازات کم بگذارد و در صورتی که کم بگذارد، مصداق بخش خواهد بود (خرازی، بی‌تا، ص ۱۵). بنابراین با توجه به این مباحث، دست کم می‌توان رفع استبعاد از تعمیم «ایفاء کیل و میزان» کرد و آن را در حوزه‌هایی دیگر همچون «خدمات» وارد دانست که در این صورت، یک اصل کلی در عموم مبادلات کالا و خدمات کشف می‌شود و آن «عدالت در مبادلات» یا همان «ایفای کیل و میزان» می‌باشد.

## ۲. جایگاه ایفاء کیل و میزان در آیات و روایات

سوره المطففین (آیات ۱ و ۲) با تهدید اهل تطفیف و کم‌فروشی در کیل و میزان آغاز شده و کم‌فروشان را تهدید می‌کند به اینکه در یوم عظیم که روز قیامت است برای جزا مبعوث می‌شوند. در این آیات کسانی که وقتی از مردم، کالایی می‌گیرند حق خود را به تمام و کمال دریافت می‌کنند، ولی وقتی می‌خواهند کالایی به مردم بدهند به کیل یا وزن ناقص می‌دهند، مورد نکوهش شدید قرار گرفته‌اند. در سوره الأنعام (آیات ۱۵۱ تا ۱۵۷) محرماتی بیان می‌شود که اختصاص به شریعت معینی از شرایع الهی ندارد، و آن محرمات عبارت است از: شرک به خدا، ترک احسان به پدر و مادر، ارتکاب فواحش، کشتن نفس محترمه بدون حق که از جمله آن کشتن فرزندان از ترس روزی است، نزدیک شدن به مال یتیم به طریق غیرنیکو، کم‌فروشی، ظلم در گفتار، وفا نکردن به عهد خدا و پیروی کردن از غیر راه خدا و بدین وسیله در دین خدا اختلاف انداختن.

در نظر علامه طباطبایی ادیان الهی هرچه هم از جهت اجمال و تفصیل با یکدیگر اختلاف داشته باشند، هیچ یک از آنها بدون تحریم اینگونه محرمات معقول نیست تشریح شود؛ و به عبارت ساده‌تر، معقول نیست دینی الهی بوده باشد و در آن دین اینگونه امور تحریم نشده باشد، حتی آن دینی که برای ساده‌ترین و ابتدائی‌ترین نسل بشر تشریح شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۴) در این آیات کلیات دین که از جمله آنها به عدم کم‌فروشی و ایفاء کیل و میزان اشاره شده است، جزو صراط مستقیم خداوند قلمداد شده‌اند. صراطی که نه در هدایت پیروان و رسانیدن ایشان به هدف، تخلف‌پذیر است و نه در اجزای آن (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۲۱). در سوره الأعراف

(آیه ۸۵) از زبان حضرت شعیب می‌فرماید: «أوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم و لا تفسدوا فی الأرض بعد إصلاحها ذلكم خیر لكم إن كنتم مؤمنین». ایشان بلافاصله قوم خود را پس از دعوت به توحید که اصل و پایه دین است به وفای به کیل و میزان و اجتناب از کم‌فروشی که در آن روز متداول بوده دعوت نموده، و ثانیاً آنان را دعوت به این معنا کرده که در زمین فساد ایجاد نکنند و مقصود از فساد، خصوص آن گناهمانی است که باعث سلب امنیت در اموال و ناموس و جان‌ها می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۳۶) و عدم ایفاء کیل و میزان نیز، امنیت در اموال را سلب می‌کند. سرانجام نیز از دلایل نزول عذاب بر این قوم و هلاک شدنشان، عدم ایفاء کیل و میزان ذکر می‌شود.

در سوره هود (آیه ۸۴ و ۸۵) نیز عبارت‌هایی مشابه سوره الأعراف آمده به اضافه این عبارت: «إنی أخاف علیکم عذاب یوم محیط» یعنی من برای شما از عذاب روزی که فراگیر است، خوف دارم. در رابطه با مراد از عذابی که حضرت شعیب(ع) از آن می‌ترسید چند احتمال بیان شده است: برخی آن را عذاب استیصال در دنیا دانسته‌اند. همچنین از ابن عباس نقل شده که مراد از آن، بالا رفتن قیمت‌هاست. ضمناً در روایتی از حضرت رسول(ص) نقل شده که مراد قحطی و بالا رفتن قیمت‌هاست (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۶). در سوره الشعراء (آیه ۱۸۱) نیز امر به ایفاء کیل و میزان نسبت به قوم حضرت شعیب(ع) تکرار شده است. در سوره الإسراء (آیه ۳۵) نیز در مقامی که به بیان کلیات دین می‌پردازد، یکی از احکام را ایفاء کیل و میزان ذکر می‌کند.

در احادیث و روایات نیز به ایفاء کیل و آثار و تبعات آن اشاره شده است که در این جا صرفاً به دو مورد اشاره می‌شود. امیر مؤمنان علی(ع) در زمانی که حکومت را در دست داشتند در بازار کوفه گشت می‌زدند و یکی از سفارشات که به اهل بازار داشتند اعطاء کامل و کم نکردن از حق مردم از طریق مکیال و ترازو، بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۵۱). از پیامبر خاتم(ص) نقل شده که پنج چیز است که اگر با آنها روبرو شدید، از آنها به خداوند پناه ببرید. یک مورد از آن پنج چیز این است که قومی نقص در مکیال و میزان نکردند مگر آنکه به قحطی و سخت شدن مؤونه زندگی شان و ظلم حاکم نسبت به آنان، دچار گشتند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۳).

در کتاب وسائل الشیعه باب «وجوب العلم بقدر المبیع فلا یصح بیع المکیل و الموزون و المعدود مجازفة» (وجوب آگاهی از مقدار چیزی که مورد بیع قرار می‌گیرد؛ لذا خرید و فروش کالاهایی که با پیمانانه اندازه‌گیری می‌شوند، کالاهایی که مورد وزن قرار می‌گیرند و کالاهایی که تعداد آنها مورد شمارش قرار می‌گیرد، به‌طور حدسی جایز نمی‌باشد)، و همچنین باب «تحریم بخش المکیال و المیزان و البیع بمکیال مجهول» (حرام بودن کم کردن از کالا از طریق ابزاری که برای پیمانانه و وزن مورد استفاده قرار می‌گیرد و حرام بودن خرید و فروش با پیمانانه‌ای که اندازه دقیق آن معلوم نیست) وجود دارد (خرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، صص ۳۴۱ و ۳۴۷) که نشان از اهمیت بحث ایفای کیل دارد.

از آیات و روایاتی که ذکر شد، فهم می‌شود که ایفای کیل و میزان از اصول محوری شریعت اسلام بوده و عدم رعایت آن توسط افراد جامعه، مشکلات جدی برای آنها پدید می‌آورد و ممکن است هلاکت آن جامعه را در پی داشته باشد.

### ۳. ثمرات ایفاء کیل و میزان

علامه طباطبایی بعد از بیان جایگاه مبادله در جامعه، اینگونه به اهمیت ایفاء کیل و میزان در روابط بین افراد می‌پردازند: «اجتماع مدنی که بین افراد نوع انسان تشکیل می‌شود اساسش حقیقتاً بر مبادله و دادوستد است، پس هیچ مبادله و اتصالی بین دو فرد از افراد این نوع برقرار نمی‌شود مگر آنکه در آن أخذی و اعطایی باشد. بنابراین به ناچار افراد مجتمع در شؤون زندگی خود تعاون دارند، یک فرد چیزی از خود به دیگری می‌دهد تا از چیزی مثل آن و یا بیشتر از آن که از او می‌گیرد استفاده کند، و یا به دیگری نفعی می‌رساند تا از او به سوی خود نفعی دیگر جذب کند، که ما این را معامله و مبادله می‌گوییم و از روشن‌ترین مصادیق این مبادله، معاملات مالی است، مخصوصاً معاملاتی که در کالاهای دارای وزن و حجم صورت می‌گیرد، کالاهایی که به وسیله ترازو و قیان سنجش می‌شود، و این قسم دادوستدها از قدیمی‌ترین مظاهر تمدن است که انسان به آن متنبه شده، چون چاره‌ای از اجرای سنت مبادله در مجتمع خود نداشته است. پس معاملات مالی و مخصوصاً خرید و فروش، از ارکان حیات انسان



اجتماعی است، آنچه را که یک انسان در زندگیش احتیاج ضروری دارد و آنچه را هم که باید در مقابل به عنوان بها پردازد با کیل و یا وزن اندازه‌گیری می‌کند و زندگی خود را براساس این اندازه‌گیری و این تدبیر اداره می‌کند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۴۳). این بیان به روشنی جایگاه ایفاء کیل و میزان را مشخص می‌کند. در ادامه ثمرات ایفاء کیل و میزان را برمی‌شماریم.

### ۳-۱. تمرکز بیشتر بر تدبیر و اندازه‌گیری معیشت و اصلاح تدابیر اشتباه

علامه طباطبائی بر این نکته اشاره می‌کند که «هر کسی در زندگی خود حساب و اندازه‌گیری دارد که چه چیزهایی و از هر جنسی چه مقدار نیاز دارد و چه چیزهایی بیش از نیاز او است، چه مقدار از آن را باید بفروشد و با قیمت آن، اجناس دیگر مورد حاجت خود را تحصیل کند و اگر پای کم‌فروشی به میان آید حساب زندگی بشر از هر دو طرف اختلال پیدا می‌کند. لذا اگر در معامله‌ای از راه نقص در مکیال و میزان به کسی خیانتی شود و خود او ملتفت نگردد، نظام معیشت آن کس از دو جهت مختل می‌گردد: یکی از آن جهت که کالایی می‌خرد تا لازمه زندگی‌اش را تأمین کند و دیگری از آن جهت که به عنوان بها می‌پردازد؛ در جهت اول احتیاجش آن طور که باید برآورده نمی‌شود و در جهت دوم پولی بیشتر از آنچه گرفته است می‌پردازد، پول زایدی که در به دست آوردنش تلاش‌ها کرده و خود را خسته نموده است، در نتیجه دیگر نمی‌تواند به اصابه و درستی نظر و حسن تدبیر خود اعتماد کند، و در مسیر زندگی دچار خبط و سرگیجه می‌شود. بنابراین اگر کم‌فروشی نباشد شخص می‌تواند بر تدبیر خود در اداره معیشت اعتماد کرده و احتیاجات خود را با استفاده از اندازه‌گیری‌ها و تقدیر خود، تدبیر نماید» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، صص ۵۴۳-۵۴۴). در واقع یکی از کارکردهای ایفاء کیل و عدم کم‌فروشی، اعتماد به معیارها و زمینه‌سازی برای تدبیر دقیق در امور اقتصادی افراد است. اگر خیال فرد از مکر و حيله و خیانت دیگران آسوده شود، زمینه برای رفع نابه‌سامانی‌های معیشت و تمرکز بر بهترین وجوه تدبیر امور فراهم می‌شود. اگر انسان بداند که برخی از نابه‌سامانی‌های معیشت او به‌خاطر تدابیر اشتباه خودش بوده و نه عوامل بیرونی و خیانت‌های دیگران که از عهده او خارج‌اند، بر اصلاح تدابیر

خود تمرکز می‌کند و سعی می‌کند شیوه‌های مناسب را جهت بهبود معیشت خود پیدا کند.

### ۳-۲. بالا رفتن سطح اعتماد

علامه طباطبایی در میزان «امنیت» را یکی از لوازم سعادت جوامع بیان می‌کند.<sup>۲</sup> «امنیت» در نظر ایشان سه رکن دارد: امنیت در جان، امنیت در ناموس و عرض و امنیت در مال. «ایفاء کیل و میزان» از موجبات تأمین «امنیت در مال» است: «زندگی اجتماعی انسان وقتی قابل دوام است که افراد، مازاد فرآورده خود را در مقابل فرآورده‌های دیگر مبادله نموده و بدین وسیله حوائج خود را برآورده کنند، و این وقتی میسر است که در سراسر اجتماع امنیت حکم فرما بوده و مردم در مقدار و اوصاف هر چیزی که معامله می‌کنند به یکدیگر خیانت نکنند، چون اگر خیانت از یک نفر صحیح باشد از همه صحیح خواهد بود، و خیانت همه معلوم است که اجتماع را به چه صورت و وضعی در می‌آورد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۳۶).

اگر مردم در مبادله با یکدیگر، کم‌فروشی کنند و ثوق و اعتماد به یکدیگر از دست می‌رود و امنیت عمومی از جامعه رخت برمی‌بندد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۴۴). در این حالت است که صالح و غیرصالح و کم‌فروش و غیرکم‌فروش به یک میزان گرفتار این ناامنی می‌شوند. در چنین اجتماعی مردم به انواع حيله و تقلب، سم مهلك را به جای دوا، و جنس معیوب و مخلوط را به جای سالم و خالص مبادله می‌کنند. ولی اگر کیل و وزن به طور عادلانه جریان یابد زندگی و اقتصاد مردمان جامعه رشد و استقامت یافته و هر کس هر چه را احتیاج دارد، همان را به مقدار نیازش به دست می‌آورد، و علاوه بر آن، نسبت به همه سوداگران و ثوق پیدا کرده و امنیت عمومی برقرار می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۵).

در مطالعات متعددی به اثرات اعتماد بر اقتصاد و اجتماع اشاره شده است. ایفاء کیل و میزان و بالا رفتن سطح اعتماد ناشی از آن، به سوء استفاده کمتر از حقوق دیگران می‌انجامد.

ناک و کیفر (Knack & Keefer, 1997) در مطالعه خود نشان داده‌اند که یکی از دلایل عقب ماندگی اقتصادی در بعضی از کشورها ناشی از عدم اطمینان در آن کشور می‌باشد و به اعتقاد آنها در جوامعی که میزان اعتماد بالا است سطح سوء استفاده از حقوق دیگران پایین است و لذا افراد هزینه کمتری برای حفظ حقوق خود در مقابله با سوء استفاده‌های احتمالی دیگران می‌پردازند. در حالی که در جوامعی که سطح اعتماد پایین است کارآفرین‌ها باید هزینه‌های بالایی را صرف کنترل و نظارت بر فعالیت‌های مربوطه کنند. علاوه بر این اعتماد انجام معاملات پیچیده را تسهیل می‌کند و شک و تردید این نوع معاملات را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال اوزی (Uzzi, 1996) در مطالعه‌ای در مورد صنعت پوشاک نیویورک نشان می‌دهد که اعتماد موجب مبادله منابع و اطلاعاتی می‌شود که برای عملکرد بالا در این صنعت ضروری است و در غیر این صورت مبادله این اطلاعات دشوار است.

اعتماد در متن کنش‌های انسان نمود پیدا می‌کند، به خصوص در آن دسته از کنش‌ها که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند. به بیان دیگر اعتماد در جایی مطرح می‌شود که امکان ناصحیح بودن رفتار طرف مقابل وجود داشته باشد اما بنا به دلایلی (از جمله دلایل نهادی و اخلاقی) فرد کنش‌گر نسبت به این احتمال واکنش نشان نمی‌دهد. از این رو است که اعتماد به تعبیر «کلمن» قدرت عمل کردن را افزایش می‌دهد<sup>۳</sup> (سلیمانی، ۱۳۸۷، ص ۸۵)، هزینه‌های همکاری را کاهش داده<sup>۴</sup> (جاجرمی، ۱۳۸۱، ص ۵) و مانع از شکل‌گیری دغدغه در مورد به مخاطره افتادن نیازها و خواسته‌ها می‌شود (شولتز، ۱۳۷۷، ص ۴۹۹ به نقل از سلیمانی).

بنابراین به طور کلی عملکرد اقتصادی اعتماد، به کاهش هزینه‌های معامله و تأثیرش روی توسعه عملکرد و کاهش هزینه‌های مداخله برای پیشگیری یا تصحیح خیانت اشاره دارد (سلیمانی، ۱۳۸۷، ص ۸۹). می‌توان گفت اعتماد با جایگزین شدن به جای قوانین و مقررات، در کاهش هزینه‌های معاملاتی (در نتیجه کاهش هزینه تولید و افزایش سرعت مبادلات)، مبادله راحت‌تر اطلاعات، تسهیل در مشارکت و ارتباطات، و در نتیجه در عملکرد اقتصادی و در نهایت رشد اقتصادی مؤثر می‌باشد.

از ثمرات دیگر اعتماد «نشأت گرفته از ایفای کیل و میزان»، افزایش دادوستد می‌باشد: شکل‌گیری وثوق و اعتماد نسبت به همدیگر در جامعه، موجب گرمی و رونق یافتن مبادلات بین افراد می‌شود؛ زیرا مطابق ادبیات اقتصاد نهادگرایی، موجب کاهش هزینه مبادلات می‌شود. اعتماد هزینه‌های لازم برای پوشش ریسک‌های ناشی از خیانت افراد را کاهش داده و نیاز به انواع قراردادهای حقوقی، وثیقه و ضمانت‌ها را کاهش می‌دهد (Omori, 2003). فوکویاما علت اصلی رواج دادوستد در میان برخی از گروه‌ها را اعتماد بیان می‌کند: آمریکایی‌های آفریقایی‌الاصل در محدوده اجتماعات خود فاقد اعتماد و همبستگی بودند، در حالیکه برای آمریکایی‌های آسیایی‌الاصل و دیگر گروه‌های قومی این اعتماد و همبستگی وجود داشت. همین نبود اعتماد و همبستگی میان سیاهان، دلیل اصلی نبود دادوستد جزئی در میان آنها بود (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰). به طور کلی در بسیاری از مقالات، اثر اصلی سرمایه اجتماعی کاهش هزینه مبادلات ذکر می‌شود (Barr, 2000; Omori, 2003; Francois, 2002).

در برخی مدل‌ها اثر شبکه‌ها و اعتماد بر تعداد و کیفیت معاملات بررسی شده و آثار افزایش تعداد مبادلات و کاهش هزینه‌های مبادلاتی بر رشد تدقیق گشته است (Routledge & Amsberg, 2003).

### ۳-۳. وجود قیمت‌های پایین

همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد از منظر علامه طباطبایی، ایفاء کیل و میزان از موجبات شکل‌گیری امنیت در مال می‌باشد، و در سایه این امنیت و اطمینان و آرامش ناشی از آن، افراد جامعه می‌توانند بر تدبیر خود تکیه کرده و بر تلاش و فعالیت خود متمرکز شده و معیشت خود و جامعه را به سامان برسانند. از این طریق، کالا و خدمات تولیدی بیشتر و بهتری عرضه می‌شود. لذا گویی میزان عرضه بالا رفته است و طبق قانون عرضه و تقاضا، با افزایش عرضه، سطح قیمت‌ها پایین‌تر خواهد آمد. همچنین به خاطر اعتمادی که میان افراد نسبت به همدیگر شکل می‌گیرد، مبادلات افزایش یافته و در نتیجه هزینه‌های بالاسری تولید کاهش می‌یابد و از این طریق به پایین آمدن قیمت‌ها و ارزانی کالاها و خدمات می‌انجامد.

این استدلال برآمده از آیه ۸۴ سوره هود و روایت ذیل آن آیه می‌باشد: حضرت شعیب (ع) به قوم خود می‌فرماید: خدا را عبادت کنید، جز او برای شما خدایی نیست و نقص در مکیال و میزان نکنید! همانا شما را در خیر می‌بینم و از عذاب روزی که شما را احاطه خواهد کرد، برایتان ترسناکم. در تفسیر میزان ذیل این آیه گفته شده است که عبارت «إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ» (همانا شما را در خیر می‌بینم) تا آخر آیه، تعلیل است برای این جمله که «نقص در مکیال و میزان نکنید» (طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۳۶۲). یعنی از آنجائی که شما را در خیر می‌بینم و از عذاب روزی که شما را احاطه خواهد کرد ترسناکم، شما را از «نقص در مکیال و میزان» نهی می‌کنم. پس «نقص در مکیال و میزان» در خیر بودن را تهدید می‌کند. حال منظور از «در خیر بودن» چیست؟ در روایتی در کتاب «من لایحضره الفقیه» آمده است که منظور از عبارت «إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ»، پایین بودن قیمت‌ها در میان آن قوم بوده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۶۸). بنابراین «نقص در مکیال و میزان»، پایین بودن قیمت‌ها را تهدید می‌کند. آیه‌ای در قرآن وجود دارد که تأییدکننده این نتیجه است: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (نحل: ۱۱۲) خدا مثلی می‌زند، جامعه‌ای که امن و آرام بود و روزیش از هر طرف به فراوانی می‌رسید آنگاه منکر نعمت‌های خدا شدند و خدا به سزای اعمالی که می‌کردند پرده گرسنگی و ترس بر آنها کشید.

در این آیه سه صفت برای قریه مورد مثل ذکر می‌شود که متعاقب همدیگر هستند. صفت دوم که مسأله اطمینان باشد به منزله رابطه میان دو صفت دیگر است. زیرا هر قریه‌ای که امنیت داشت، مردمش دارای اطمینان و آرامش می‌شوند و از کمال اطمینان، رزق آن قریه، فراوان و ارزان می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۲۲). از آنجائی که «ایفاء کیل و میزان» موجب امنیت می‌شود، می‌توان گفت که «ایفاء کیل و میزان»، قیمت‌های ارزان را هم به دنبال دارد.

### ۳-۴. رشد اقتصادی

همان‌طور که در صفحات قبل اشاره شد، در کلام علامه، جریان یافتن کیل و وزن بطور عادلانه [به عبارت اقتصادی، مبادلات عادلانه] موجب می‌شود هرکس هرچه را احتیاج دارد، همان را به مقدار نیازش بدست آورد و همچنین نسبت به طرف مقابل وثوق یافته و از این طریق اقتصاد جامعه نیز به رشد و استقامت برسد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۵). یعنی از طریق مبادلات عادلانه، اعتماد و امنیت عمومی بر جامعه حاکم گشته و قدرت تدبیر مردم در امورات معیشتی بالا می‌رود و به تبع آن، رشد و گشایش اقتصادی برای آنان حاصل می‌شود. در ادامه سعی می‌کنیم به چگونگی ارتباط میان «ایفاء کیل و میزان» و «رشد» بپردازیم.

از پیامبر خاتم(ص) نقل شده که پنج چیز است که اگر با آنها روبرو شدید، از آنها به خداوند پناه ببرید. یک مورد از آن پنج چیز این است که قومی نقص در مکیال و میزان نکردند مگر آنکه به قحطی و سخت شدن مؤونه زندگی شان و ظلم حاکم نسبت به آنان، دچار گشتند<sup>۵</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۳). در واقع از این حدیث می‌توان چنین برداشت کرد که عدم ایفاء کیل زمینه‌ساز فقر عمومی مردم (عامل مقابل رشد) بوده و نقص در مکیال و میزان، مانع رفاه و راحتی معیشت افراد جامعه می‌باشد.

در اقتصاد متعارف نیز در پژوهش‌های مختلف به اثرات مثبت اعتماد و سرمایه اجتماعی بر «رشد اقتصادی» تأکید شده است. سرمایه اجتماعی مفهومی است که اخیراً داخل ادبیات اقتصادی شده و اعتماد، یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد. در واقع، کلمه «سرمایه» از این جهت در «سرمایه اجتماعی» به کار گرفته می‌شود که مولد درآمد است (بُردیو، ۱۳۸۰، ص ۳۱). از منظر بانک جهانی نیز، سرمایه اجتماعی به همراه سرمایه انسانی، بُعد اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ص ۹۱) و از آنجا که یکی از ثمرات «ایفاء کیل و میزان» شکل‌گیری اعتماد در میان افراد مختلف است، لذا می‌توان گفت که ایفاء کیل و میزان زمینه‌ساز تشکیل سرمایه اجتماعی و در نتیجه تولید درآمد و توسعه پایدار است.

بسیاری از مطالعات تجربی نیز، اثر مثبت سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را نشان داده‌اند. زک و ناک (Zak & Knack, 2001) با مطالعه روی ۴۱ کشور نشان دادند

که «اعتماد بالا» روی «رشد» اثر می‌گذارد زیرا کارایی اقتصادی را با کاهش هزینه‌های حمل و نقل، کاهش هزینه‌ها در هنگام بستن قراردادها و کاهش هزینه‌ها در اجرای قراردادها افزایش می‌دهد (Din, 2003).

نارایان و پریچت<sup>۶</sup> (1997) با مطالعه روستاهای تانزانیای، رابطه بین سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شاخص اعتماد به دیگران و مقامات رسمی) و درآمد خانوارها را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. کریستوفور<sup>۷</sup> (2006) نیز ارتباط سرمایه اجتماعی (شاخص‌های هنجارهای مدنی، شبکه‌های اعتماد و عضویت در گروه‌ها) را با رشد اقتصادی و توسعه انسانی، در ۳۲ کشور اروپا بین سال‌های ۱۹۶۰ الی ۲۰۰۳ سنجیده است و یکی از نتایج این پژوهش حاکی از همبستگی بالا و مثبت اعتماد اجتماعی با توسعه انسانی می‌باشد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مبادله و معامله از ضروریات بقای یک اجتماع است و از قواعد حتمی این مبادله و معامله، رعایت عدالت در بده-بستان‌هاست و از موارد رعایت این عدالت، «ایفاء کیل و میزان» می‌باشد. ایفاء کیل و میزان، منحصر در چیزهایی نیست که بتوان پیمانہ کرد یا مورد وزن قرار داد بلکه شامل عدم کم‌فروشی در هر نوع مبادله کالا و خدمات نیز می‌شود. لذا با تعمیم ایفاء کیل و میزان، گستره شمول این اصل اقتصادی وسیع‌تر شده و تحقق آن، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ایفاء کیل و میزان از موجبات شکل‌گیری امنیت در مال می‌باشد و در سایه این امنیت است که اطمینان و آرامش برای افراد جامعه به ارمغان می‌آید و امکان تدبیر شئون اقتصادی، تمرکز بر تلاش و فعالیت و سامان‌بخشی به معیشت به وجود می‌آید و با افزایش اعتماد میان افراد، هزینه مبادلات کاهش یافته و سطح مبادلات افزایش می‌یابد و از این طریق به پایین آمدن قیمت‌ها و ارزانی کالاها و خدمات می‌انجامد. اما در صورتی که کیل و میزان صورت نگیرد<sup>۸</sup> و یا در اندازه‌گیری آن خیانت شود، دیگر این اطمینان و آرامش بدست نیامده و هزینه مبادلات بالا می‌رود. در این حالت است که تأمین مؤونه نیز مشکل شده و کمبود ارزاق

و قحطی گریبان گیر جامعه می شود.<sup>۹</sup> همچنین در مقاله بیان شد که از بارزترین ثمرات ایفاء کیل و میزان، افزایش اعتماد در جامعه است. اگر اعتماد در بین افراد یک جامعه شکل بگیرد، همکاری آسانتر، هزینه‌ها کمتر، بده-بستان بیشتر و در نهایت، رشد اقتصادی بالاتر آشکار خواهد شد. بنابراین یکی از محورهایی که سیاست‌گذاران و مسئولان اقتصادی بایستی میزان تحقق آنرا رصد کنند و نسبت به آن حساس باشند، ایفاء کیل و میزان به مفهوم گسترش یافته آن است. لذا از زمینه‌های پیشنهادی برای مطالعات آتی در این موضوع، تمرکز بر نحوه تحقق «ایفاء کیل و میزان» در جامعه می‌باشد.

#### یادداشت‌ها

۱. این بیان با اماره‌های دیگری نیز تقویت می‌شود:

- ضامن بودن اجیر بخاطر افساد در کار (یا به موقع انجام ندادن)؛ سئلَ عَنِ الْقَصَّارِ يُفْسِدُ قَالَ كُلُّ أَجِيرٍ يُعْطَى الْأَجْرَ عَلَى أَنْ يُصْلِحَ فَيُفْسِدُ فَهُوَ ضَامِنٌ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۱۹). از اباعبدالله درباره کسی که برای کاری اجیر شده بود ولی او کوتاهی کرده و در آن خرابی به بار آورده است، سؤال می‌شود. در جواب می‌فرمایند: هر اجیر برای این مزد داده می‌شود که اصلاح انجام دهد، پس اگر کار را تباه کرد، ضامن می‌شود. این فساد ممکن است بصورت درست و کامل انجام ندادن باشد و ممکن است گاهی از طریق به موقع انجام ندادن باشد.
- اشکال نداشتن اجیر شدن، زمانی که به قدر طاقت بتوان خیرخواهی کرد؛ به‌طور کلی اجیر گشتن در چارچوب اسلامی کراهت دارد. ولی در کتاب وسائل‌الشیعه (ج ۱۷، ص ۲۳۸) بابی با عنوان «کراهة إجارة الانسان نفسه» وجود دارد که ذیل آن از معصوم (ع) نقل است [اجیر گشتن] زمانیکه به قدر طاقت بتوان دلسوزی و خیرخواهی کرد، اشکالی ندارد. ولی در غیر این صورت، شاید از این باب که اجیر در معرض کم‌کاری در کار خود قرار



دارد (با توجه به اینکه منافع کار برای شخص اجیر نیست و مزد شخص اجیر نیز تضمین گشته) از اجیر شدن منع شده است.

- وصف «محترف» به صفت «امین»؛ در روایت آمده که خداوند محترف امین را دوست دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۳)، یعنی صاحب حرفه‌ای که امین باشد، مورد حب خداوند قرار می‌گیرد و درباره صاحب حرفه غیرامین، این عبارت گفته نشده است. در روایت آمده که خداوند محترف امین را دوست دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۳)، یعنی صاحب حرفه‌ای که امین باشد، مورد حب خداوند قرار می‌گیرد و درباره صاحب حرفه غیرامین، این عبارت گفته نشده است.
- ۲. وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (نحل: ۱۱۲). خدا مثلی می‌زند، جامعه‌ای که امن و آرام بود و روزیش از هر طرف به فراوانی می‌رسید، آنگاه منکر نعمت‌های خدا شدند و خدا به سزای اعمالی که می‌کردند پرده گرسنگی و ترس بر آنها کشید. در این آیه سه صفت برای قریه مورد مثل ذکر می‌شود که متعاقب همدیگر هستند، صفت دومی که مسأله اطمینان باشد به منزله رابطه میان دو صفت دیگر است. زیرا هر قریه‌ای که امنیت داشت، مردمش دارای اطمینان و آرامش می‌شوند و از کمال اطمینان، رزق آن قریه، فراوان و ارزان می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۲۲).
- ۳. همان‌طور که در این نوشتار یکی از ثمرات «ایفاء کیل و میزان»، «تمرکز بیشتر بر تدبیر و اندازه‌گیری خود» بیان شد، در اینجا نیز افزایش «اعتماد» که یکی دیگر از ثمرات «ایفاء کیل و میزان» می‌باشد، موجب افزایش قدرت عمل کردن (و به عبارت ما: تمرکز بیشتر بر تدبیر و اندازه‌گیری خود) دانسته شده است.
- ۴. در نبود اعتماد ما بین طرفین مبادله، ترتیب دادن ضمانت پرهزینه می‌باشد و زمان زیادی لازم است تا افراد به فواید عملکرد اقتصادی‌شان برسند (Beugelsdijk & van Schaik, 2003).
- ۵. خَمْسٌ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهُنَّ فَتَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْهُنَّ... وَ لَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أُخِذُوا بِالسِّنِينَ وَ شِدَّةِ الْمُنُونَةِ وَ جَوْرِ السُّلْطَانِ... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۳).

6. Narayan & Pritchett

7. Christoforou

۸. کیل و وزن کردن، موجب اطمینان و برکت می‌شود:

در کتاب وسائل الشیعه بابُ جَوَازِ بَیْعِ الْمَبِیْعِ قَبْلَ قَبْضِهِ عَلَی كَرَاهِيَةٍ اِنْ كَانَ مِمَّا يُكَالُ اَوْ يُوزَنُ... (ج ۱۸، ص ۶۵) وجود دارد که از احادیث ذیل آن این است که درباره مردی از معصوم (ع) می‌پرسند که چیزی می‌خرد و سپس آنرا قبل از اینکه کیل کند به فروش می‌رساند، معصوم (ع) می‌فرماید صحیح نیست (ج ۱۸، ص ۶۶). از این روایت فهمیده می‌شود که خرید و فروش چیزی بدون اندازه‌گیری آن، مورد پسند شارع نیست و از آنجائی که کیل و وزن کردن موجب اطمینان معامله‌کننده می‌شود، شاید شارع مقدس بانظر به اهمیت اطمینان و حصول اطمینان برای طرفین معامله، خرید و فروش بدون اندازه‌گیری را ناپسند دانسته است.

معصوم (ع) حتی در غذا پختن هم سفارش به کیل کرده‌اند که برکت در آن است شاید به خاطر اینکه اعتماد و اطمینان در پی مشخص شدن مقدار و اوصاف، حاصل می‌شود: شَكَا قَوْمٌ اِلَى النَّبِيِّ (ص) سُرْعَةَ نَفَادِ طَعَامِهِمْ فَقَالَ تَكْيَلُونَ اَوْ تَهَيُّلُونَ (گاهی بصورت کیل و گاهی بصورت غیر کیل) قَالُوا نَهَيْلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَعْنِي الْجِزَافَ قَالَ كَيْلُوا وَا لَا تَهَيُّلُوا فَإِنَّهُ اَعْظَمُ لِلْبُرْكََةِ (خر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۳۹) گروهی نزد پیامبر، از زود تمام شدن غذایشان شکایت کردند؛ پیامبر از آنها می‌پرسد که آیا به هنگام استفاده پیمانه می‌کنید یا نه و همین طوری استفاده می‌کنید؟ گفتند که همین طوری و بطور حدسی و حدودی. پیامبر فرمودند: اینگونه نکنید و پیمانه بکار ببرید که برکت بیشتر در آن است.

يَا اَبَا سَيَّارٍ اِذَا اَرَادْتَ الْخَادِمَ اَنْ تَعْمَلَ الطَّعَامَ فَمَرُّهَا فَلْتَكَلْهُ فَإِنَّ الْبُرْكََةَ فِيمَا كَيْلَ (خر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۴۰) اباعبدالله به اباسیار می‌فرمایند که هنگامی که خادم خواست غذا درست کند به او بگو که پیمانه کند که برکت در آن چیزی است که پیمانه شود [و اندازه‌اش مشخص گردد].

۹. نقص در مکیال و میزان موجب سخت شدن تأمین مؤونه و قحطی:

- خَمْسٌ اِنْ اُذْرِكْتُمْوَهُنَّ فَتَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْهُنَّ... وَ لَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ اِلَّا اُخِذُوا بِالسِّنِّينَ وَ شِدَّةِ الْمُؤْنَةِ وَ جَوْرِ السُّلْطَانِ ... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۳).

### کتابنامه

#### قرآن کریم

- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۱۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- إحسان الحافظ، ثناء محمد (۲۰۱۰)، التبادل الاقتصادي و ضبطه بمقاصد الشریعة (دراسة مقارنة)؛ دمشق: دارالفکر.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری»، مدیریت شهری، شماره ۷، صص ۳۴-۴۵.
- بُردیو، پیر (۱۳۸۰)، نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی، مترجم: مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، شمس الوحی تبریزی، قم: نشر اسراء؛ چاپ سوم.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری و علی هلالی، بیروت: دارالفکر، جلد ۱۲، چاپ اول.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- خرازی، سید محسن (بی‌تا) (۱۳۸۳)، «تطفیف (کم‌فروشی)»، فقه اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۳۹-۴۰، صص ۳-۱۵.
- سلیمانی، محمد (۱۳۸۷)، «اندازه‌گیری اثرات سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، رفاه اجتماعی، شماره ۲، صص ۵-۱۸.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، تهران، دارالکتب  
الاسلامیه، چاپ چهارم.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

غزالی، محمد بن محمد (بی تا)؛ إحياء علوم الدین، بیروت: دار الكتاب العربی، جلد ۴.  
فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن؛ مترجم: غلامعباس توسلی،  
تهران: جامعه ایرانیان.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.  
کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحق (۱۴۰۷ق)؛ الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه؛  
چاپ چهارم.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)؛ احیای تفکر اسلامی، تهران: صدرا، چاپ نوزدهم.  
وزیری فرد، سیدمحمدجواد (۱۳۷۶)؛ مسائل اقتصادی در تفسیر المیزان، تهران: امیرکبیر،  
چاپ اول.

یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (بی تا)؛ حاشیة مکاسب، قم: اسماعیلیان؛ جلد ۱.

- Beugelsdijk, S., & Smulders, S. (2003). Bridging and Bonding Social Capital: Which Type is Good for Economic Growth. *The Cultural Diversity of European unity, Findings, Explanations and Reflections from the European Values Study*, 147-184.
- Christoforou, A. (2006, August). Social Capital, Economic Growth and Human Development: an Empirical Investigation Across European Countries. In *Annual Conference of the Human Development and Capability Association, University of Groningen, The Netherlands* (Vol. 29).
- Din, M. (2003). Social Capital and Economic Development: A Case Study of the Northern Resource Management Project in Pakistan, the Technical Assistance Program of the World Bank.
- Francois, P. (2003). *Social Capital and Economic Development*. Routledge.
- Knack, S., & Keefer, P. (1997). Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-Country Investigation. *The Quarterly Journal of Economics*, 1251-1288.
- Narayan, D., & Pritchett, L. (1999). Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania. *Economic Development and Cultural Change*, 47(4), 871-897.

- Omori, T. (2003). Economic Effects of Social Capital, Economic and Social Research Institute Cabinet Office, Presented at the International Forum on Economic Implication of Social Capital 24 and 25th March.
- Routledge, R., & Amsberg, V. (2003). Social Capital and Growth, *Journal of Monetary Economics*, 50, 167-193.



**The Economic Impacts of Completing the Measure and Scale in Transactions (Using Allameh Tabatabaei's Attitude in Al'mizan Interpretation)**

**Mohammad Soleymani\***  
**Mohammad Arablou\*\***

*Received: 15/01/2015*  
*Accepted: 19/06/2016*

One of the necessities of social life is transaction between people, and one of the certain rule of these transaction is justice in trade-offs. On the other hand one of the components of this kind of justice is "Ifa-e-Kai" (completing the measure and scale). The importance of observing this rule is so that the non-compliance was the bane of the people of the prophet shuaib (pbuh). "Ifa-e-Kai" is not limited to bushel and weighted goods but it also include any kind of exchange of goods and services. So with the extension of "Ifa-e-Kai" concept, the extent of inclusion of this economic principle become broader and its realization become more important.

This paper is based on library research for gathering the information and on descriptive analysis for explaining the benefit of "Ifa-e-Kai". In this paper we use the related verse of Qurans and the transition of prophet (pbuh) through "Almizan" (a book of interpretation of Quran by Allame Tabatabaei) and some socio-economics scientists. The following result have been achieved as advantage of "Ifa-e-Kai" in transaction: greater focus on self-management and self-evaluation, raise of trust, lower price level and greater economic growth.

**Keywords:** Transaction, Economic Security, Trust, Allamah Tabatabaei, Al-mizan Interpretation

**JEL Classification:** A13, B19, N75

---

\* Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economies, Imam Sadiq University, solimani@isu.ac.ir

\*\* M.A Graduate in Islamic Studies and Economies, Imam Sadiq University (Corresponding Author), m.arablou@isu.ac.ir